

نظم قرآن

تالیف:

عبدالعلی بازرگان

علی رفیعی

شناخت پدیده نظم و ترتیب و ارتباط تنگاتنگ اجزاء، سوره ها، آیات و حتی کلمات قرآن مجید به عنوان یک مجموعه واحد هماهنگ و منظم، موضوعی است که از دیرباز مورد عنایت بزرگان دین و مورد توجه مفسران قرآن و علاقه مندان به این کتاب آسمانی بوده است و کوششهای بسیاری نیز در این راه انجام گرفته و مقالات، رسالات و کتب گوناگونی هم در این موضوع به رشته تحریر در آمده است، که یکی از آنها کتاب نظم قرآن، آقای مهندس عبدالعلی بازرگان است.

پیش از آنکه به بررسی و معرفی این کتاب پردازیم، ضروری است که بدانیم نظم چیست؟

از این رو ابتدا نظم را در لغت، سپس نظم را در اصطلاح و پس از آن نظم قرآنی را مرور بررسی می کنیم:

نظم در لغت عبارت است از: کنار هم چیدن، به رشته کشیدن، پی در پی آوردن، پدیده، موضوع و یا مطلب و سخن است. به تعبیر دیگر ایجاد ارتباط، چیزی را به چیز دیگر قرین ساختن، ضمیمه نمودن موضوعی در موضوع دیگر و در مسیر هماهنگ قرار دادن پدیده ها را در لغت نظم می نامند (نک: لسان العرب، ۱۲ / ۵۷۸).

اما نظم در اصطلاح عبارت است از: تألیف کلمات و جملاتی که معانی آن مرتب و دلالت آن متناسب بود، بر حسب آنچه که عقل اقتضا می کند (التعريفات جرجانی، ذیل ماده نظم).

به این ترتیب هر گونه، تشبیه، پراکندگی، آشفتگی و ناهماهنگی میان اشیاء، پدیده ها، موضوعات، بی نظمی به شمار می رود، زیرا عادت بشری و نظم و ترتیبی که در عرصه انسانهاست و نویسندگان و گویندگان در کتابها و سخنان خود رعایت می کنند، چنین است که اجزاء هر نوشتار و گفتاری به تناسب موضوع زیر هم قرار گیرند و زمان و ضمایر مربوط به آن معمولاً ثابت بمانند و خوانندگان و شنوندگان نیز به سهولت آن را دریابند. این نوشتارها و گفتارها حتی المقدور

باید فصل بندی شده و در یک روال مشخص ادامه یابند.

حال باید دید که آیا وقتی سخن از نظم در قرآن می شود منظور چنین نظم متعارفی است؟ و یا مفهومی متفاوت دارد. در اینکه در بسیاری از اجزاء و سوره و آیات می توان چنین نظمی را مشاهده کرد، شکی نیست، اما بر خلاف انتظار باید اذعان کرد که این نظم متعارف انسانی، و مفهومی که از نظم در ذهن ما وجود دارد، در بیشتر اجزاء قرآن علی الظاهر به چشم نمی خورد و می توان گفت که حتی به عمد رعایت نشده است. زیرا در قرآن نه تنها موضوعات مرتباً تغییر می کنند، بلکه مخاطب ها، ضمایر و زمان ها نیز دائماً جا به جا می شوند، مثلاً در یک فراز تاریخی قرآن که مربوط به اقوام و انبیاء گذشته است، ناگهان بحث قیامت مطرح می شود و در همان حال به قضیه خلقت آدم منتقل می گردد و پس از چند آیه، مخاطبین عبارتند از: مشرکین معاصر پیامبر (ص)، بنابراین هم «زمان» در گذشته و حال و آینده در نوسان است، و هم «ضمایر» در مخاطب و متکلم و غایب و جمع و مفرد تغییر می پذیرد. به همین دلیل کسانی که برای نخستین بار قرآن را می خوانند، به خصوص اگر با فرهنگ قرآن آشنایی کامل نداشته باشند و بر زبان عربی مسلط نباشند و از ترجمه و زیر نویس فارسی و یا هر لغتی دیگر استفاده

کنند، مواجه با یکسری اشکالات و ابهاماتی می شوند که در حل آن عاجز می گردند. این سبک سخن مخصوص قرآن است که بکلی با شیوه های بشری تفاوت دارد، نه اینکه قرآن از نظم و ترتیب بی بهره است و یا آهنگ منظمی در بیان موضوعات ندارد، بلکه باید گفت که خود دارای نظم و ترتیب دیگری است که می باید آن را درک کنیم و آن را کاملاً بشناسیم.

ما انسانها به دلیل آنکه محکوم در زمان و محصور در مکان هستیم عادتاً مسائل، موضوعات و پدیده ها را جدای از هم و تجزیه شده و مستقل می بینیم و نمی توانیم ارتباط ارگانیک پدیده های عالم را که همه مخلوق یک پروردگار هستند درک کنیم، طبیعی است که سخن قرآن را نیز نتوانیم دریابیم، زیرا قرآن کلام الهی است و فراتر از مرزهای زمان و مکان سخن گفته چنانکه می بینیم داستان خلقت آدم و سجده ملائک را در کنار مسأله قیامت و معتقدات شرك آمیز معاصرین پیامبر مطرح می سازد، و ظاهراً هیچگونه ارتباطی بین این مسائل مختلف وجود ندارد. اینجاست که نیاز مبرم به تالیف کتابها و رساله هایی که بتوانند پرده از رموز و راز پدیده نظم و ارتباط موضوعات و مطالب قرآنی بردارند، شدیداً احساس می گردد، کسانی که در این مسیر گام نهاده، تلاش و کوشش فراوانی کرده اند تا ابهامات و اشکالات مراجعین به قرآن را تا آنجا

که ممکن است حل کنند.

کتاب نظم قرآن، نیز تلاشی گسترده و فراگیر در این مسیر است که پیشینیان نیز کم و بیش در آن گام برداشته اند. در مقدمه جلد اول این کتاب که برخی مطالب را مستقیماً از آن نقل کردیم، آقای بازرگان علت تالیف و چگونگی این پژوهش را مفصلاً شرح داده اند که وارد جزئیات آن نمی شویم، اما همین قدر اشاره می کنیم که این کتاب حاصل تلاش چندین ساله ایشان در جمع مخلصی بوده که جهت ختم قرآن به روش سنتی فراگرد هم آمدند و باچاشنی تحقیق و تدبّر بر روی آیات و سوره قرآن به این نتیجه پر بار رسیده اند. از این تلاش تا کنون سه جلد منتشر شده که جلد اول مشتمل بر ۲۲ سوره، از قرآن، از سوره حمد (۱) تا سوره حج (۲۲) و جلد دوم شامل ۲۴ سوره، از سوره مؤمنون (۲۳) تا سوره احقاف (۴۶) و جلد سوم در برگیرنده ۳۰ سوره، از سوره محمد (۴۷) تا سوره مرسلات (۷۷) است.

چنانکه مؤلف اشاره کرده، بررسی سوره ها در این کتاب یکسان نیست، زیرا به تدریج که جلوتر رفته اند این بررسی ها و پژوهشها تغییر و تحول یافته است، چنانکه برخی از سوره های ابتدائی به اجمال و اختصار بررسی شده اند در حالیکه برخی دیگر که در دوره جلسات جدید کلاس به آن پرداخته اند،

توسعه و تفصیل بیشتری یافته اند، اما در عین حال کوشش شده است که همه سوره ها از زوایای مشخصی مورد بررسی قرار گیرند که عمدتاً این بررسیها چنانکه از فهرستواره این سه جلد به دست می آید عبارتند از:

ملاحظات آماری در مورد کلمات و حروف در سوره ها، ارتباط سوره های مجاور، ترتیب نزول آیات، سیر تحول موضوعی در برخی از سوره ها، موضوع و محتوای سوره ها، کلمات کلیدی و غالب در هر سوره، اسماء الحسنی، آهنگ سوره، آهنگ انتهائی آیات، تقسیمات و بخشهای سوره ها، شناخت هر سوره از طریق فرهنگ کلمات، خلاصه و نتیجه سوره در آیات ابتدائی و انتهائی هر سوره، آغاز و ختم سوره، سیاق آیات و مجموعه های یک سوره، شأن نزول و سال نزول آیات، مقایسه آیات با یکدیگر، مقایسه سوره ها با یکدیگر، حروف مقطعه و نقش آنان در شناخت سوره های همسویه و پیام آنها، موقعیت کلمات، حروف انتهائی آیات، محورهای کلی سوره و موضوعات مشابه اینها.

ایشان در مقدمه ضمن اشاره به مفهوم سوره و اینکه قرآن در برگیرنده ۱۱۴ سوره بلند و کوتاه است که هر کدام برای خود نام مشخص و معینی دارند، اضافه می کنند که کلمه سوره گاهی به یک مجموعه از آیات که

در موضوع واحدی و در برگیرنده حقیقتی از زاویه بخصوصی هستند نیز در اصطلاح خود قرآن سوره اطلاق می شود، هر چند قرآن از ۱۱۴ سوره اصلی تشکیل شده، اما قسمت های فرعی هماهنگ و هم موضوع داخلی یک سوره را نیز به تعبیری می توان سوره دانست، بطوریکه میان این دو اثر کوچک با دایره اصلی ارتباط و انسجام کامل وجود دارد.

مؤلف در مقدمه کتاب نمونه ها و مثالهایی از موضوعات کلی که در کل این کتاب مورد بررسی قرار داده ذکر نموده که اشاره به چند نمونه؛ در جهت شناخت محتوا و مسیر مباحث و موضوعات کتاب برای علاقه مندان ضروری و راهگشا است:

۱. نظم موضوعی، یکی از مطالبی است که در بیشتر مباحث و بررسیهای انجام شده در بستر این کتاب، مورد عنایت قرار گرفته است و به آن توجه بسیاری شده است. زیرا شاه بیت این کتاب همین نظم موضوعی قرآن است که برخلاف نظم شناخته شده و متعارف است.

در این قسمت ایشان اشاره می کنند که سوره های بلند قرآن معمولاً از چندین دسته یا گروه آیات همسو تشکیل شده اند که اولاً درباره موضوع واحدی نیستند بلکه مشتمل بر چندین موضوع به ظاهر متفاوت هستند، و ثانیاً گروههای هم موضوع هم به جای آنکه با

یکدیگر ترکیب شده و زیر هم قرار گیرند، بر خلاف نظم متعارف بشری مخلوط است. به عنوان مثال در سوره بقره که طولانی ترین سوره های قرآن با بیشترین آیات است، ۲۰ گروه آیات وجود دارند که درباره ۵ موضوع نازل شده اند و با اینکه درباره برخی از این موضوعات ۵ یا ۷ گروه آیه نازل شده اما هیچیک از آنها در کنار هم نیستند و پیوسته و به ترتیب دنبال هم قرار نگرفته اند، گویی تعمّدی در کار بوده تا نظم متعارف مختل شود. و برعکس همین ترتیب اگر به هم بخورد، نظم خاص سوره و آیات بهم می خورد و ممکن نیست که بتوان آیات و حتی کلمات را جابجا کرد.

۲. از دیگر موضوعاتی که در بررسی هر سوره به آن پرداخته شده موضوع ارتباط سوره های مجاور با یکدیگر است. این ارتباط به گونه ای منطقی و مشهود در آیات ابتدائی هر سوره با آیات انتهایی سوره پیشین بهم گره خورده و با یک دید ابتدائی و گذرا نیز قابل درک است. چنانکه مطالب و مفاهیم سوره قبل از زاویه ای دیگر در سوره بعد ادامه می یابد.

این ارتباط نه تنها بین دو سوره مجاور به چشم می خورد بلکه میان سوره های نزدیک به هم نیز یکنوع هماهنگی و همسوئی وجود دارد. برای شناخت ارتباط این نوع سوره ها راههای مختلفی ارائه شده است از جمله: به راهنمایی حروف مقطعه مانند ۷ سوره ای که با

از شاخص های خویشاوندی میان سوره ها سیاق واحدی است که در آنها دنبال می شود.

کتاب نظم قرآن، در این سه جلد تمام نمی شود بلکه ادامه دارد و امید است که در آینده ای نزدیک جلد و یا جلد های آخرین آن نیز منتشر گردد و این مجموعه هماهنگ که معرف نظم و ترتیب در قرآن مجید است تکمیل گردد. صرف نظر از بعضی اغلاط چاپی و نوع و شیوه حروف چینی و برخی نارسائیهای دیگری که دارد و هیچ کتابی و تألیفی غیر از کتاب آسمانی از آن مبرا نیست. شیوه ابتکاری بررسی سوره ها و آیات، ایجاد هماهنگی خاص در مباحث مطرح شده، با یک دید عالمانه موضوعات را تجزیه تحلیل کردن و تکیه بر آمار، از شاخص های ارزنده این کتاب است. امید آنکه با همین دید گاه شاهد آثار دیگر ایشان بر روی این کتاب آسمانی که هنوز پس از گذشت قرنها، بسیاری از زوایای آن بکر و دست نخورده باقی مانده، باشیم.

بیتنا: آقای بازرگان در این مجموعه از جمله به اثر معروف رشاد خلیفه بارها استناد کرده اند. نظریه وی افزون بر اینکه مورد نقد قرار گرفته و مواردی از آن باطل شده است؛ خود وی در پرداختن و عرضه این نظریه آهنگ پلیدی داشته است. او در نهایت از بهائیکاری نیز فراتر رفت و ادعای پیامبری کرد. «البیان فی اعجاز القرآن»/ ۳۶۸-۳۷۲.

حروف مقطعه «حم» افتتاح شده اند (سوره های ۴۰ تا ۴۶ که عبارتند از: مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه و احقاف) و یا ۶ سوره ای که دارای حروف مقطعه «الر» هستند (سوره های ۱۰ تا ۱۵ مانند: یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم و حجر).

راه دیگر شناخت این ارتباطها، از طریق مشاهده روابط متقابل و روشنی است که این سوره ها با یکدیگر دارند مانند سوره های بقره و آل عمران، که هر دو دارای حروف مقطعه «الم» هستند و در سوره اول اشاره به تاریخ بنی اسرائیل (یهودیان) در دوره حضرت موسی (ع) دارد و سوره دوم شامل داستان مسیحیان از آل عمران است.

راه دیگر شناخت ارتباط میان سوره ها، اطلاع از سیاق عمومی سوره ها است از جمله سه سوره ۴۷ تا ۴۹ که از نظر مضمون و محتوا بسیار به یکدیگر شبیه هستند و سیاق واحدی را تعقیب می نمایند و مخاطب اصلی آنها شخص رسول اکرم است، چنانکه از چهار موردی که نام حضرت محمد (ص) در قرآن به کار رفته، سه مورد آن در این مجموعه است. مضافاً بر اینکه در این سه سوره مسأله جنگ و صلح از محورهای اصلی است و در هر سه سوره اطاعت از رسول خدا و انضباط در برابر فرامین وی مورد تأکید قرار گرفته است، بنابراین یکی